

غرب در جنگ با ایران پیروز نمی شود

نویسنده: سیمون جنکینز

ترجمه: مصطفی قوانلو قاجار

منبع: روزنامه شرق بنقل از گاردین ۱۶/۱۱/۸۴

هرگز با کسی که می دانید پیروز نمی شوید، جنگ نکنید. به ویژه آنکه شما باید برای کارتان دلیل بیاورید، اما نه با جنگ. اخیراً وقتی می خوانم یا می شنوم که برای مقابله برنامه غنی سازی هسته ای ایران گزینه جنگ پیشنهاد می شود، آن را گزینه ای بی ارزش و فاقد هوشمندی لازم می دانم. در بسیاری از گرد همایی های بین المللی عبارت «همه گزینه ها باز است» به عنوان پیشنهاد مطرح شده است. حتی بعضی از این دیوانه ها یک بازی کامپیوتری ساخته اند تا به خیال خود آنچه را که می اندیشند عملی کنند. ایران کشوری مهم است و جدا از امپراتوری بزرگ گذشته اش نیست. آنها چهارمین تولیدکننده نفت در جهان هستند و جمعیت آنها تا سال ۲۰۲۰ به ۱۰۰ میلیون نفر می رسد. پایتخت این کلانشهر، تهران است که مساحتش به اندازه نیمی از شهر بزرگ لندن است. این کشور دارای فرهنگی دیرینه و باستانی است. همه چیزهایی که درباره قدرت ایران گفته می شود، درست است. این کشور قدرتمند می تواند بمب اتم هم درست کند. آنها این توانایی را دارند اما به این کار دست نمی زنند. مردم ایران بسیاری از سیاستمداران اروپایی را ابله می خوانند و با آنها سر جنگ دارند. مردم ایران از پیش بینی آینده وحشت زده می شوند. تنها سؤالی که باید استراتژیست های غربی به آن پاسخ دهند، این است که مردم ایران چه کمکی می خواهند.

وقتی همه رفتارهای دیپلماتیک را از سال ۲۰۰۰ مرور می کنیم، به نظر می رسد بسیاری از آنها مخالف پیمان نامه «ان پی تی» هستند. کلویی خودمانی از کشورهای دارای انرژی هسته ای که بسیاری را پشت در گذاشته اند، شکل گرفته است. برای ثابت کردن این موضوع می توان شبه جزیره کره را مثال زد. اگرچه کره شمالی همواره از دستیابی به بمب اتم منع شده اما آمریکا کره جنوبی را به فناوری هسته ای مجهز می کند. آمریکا از اسرائیل حمایت می کند. هند و پاکستان برای دفاع به بمب اتم مجهز هستند و یکدیگر را تهدید به استفاده از آن می کنند. اما هر سه کشور مخالف نظارت های ان پی تی بر تاسیسات هسته ای خود، از دوستان نزدیک آمریکا هستند. من خوشحال تر می خواهم اگر ایرانی ها بدون بمب اتم باشند اما باتلاقی از دورویی بین من و همه آنهاست که معترض به برنامه اتمی ایران هستند، فاصله انداخته است. ایران کشوری مغرور است که در شرق آن پاکستان و هند مجهز به انرژی اتمی قرار گرفته است. در شمال روسیه و اسرائیل در غرب این

کشور واقع شده است. عراق و افغانستان که هم مرز ایران هستند توسط کشوری اشغال شده اند که مجهز به سلاح اتمی است. پیش از این و در سال ??? رژییم صدام حسین به ایران تجاوز کرد. حال چگونه ما می توانیم بگوییم که درست نیست ایران برای دفاع از خودش به بمب اتم مجهز شود.

با وجود آنکه در یک ماهه اخیر تحقیقات هسته ای آغاز شده دو مرکز دیگر نیز به گفته رئیس جمهور جدید ایران برای استفاده صلح آمیز از انرژی اتمی آماده می شود. بازرسان انرژی اتمی در ایران تاکنون نشانه ای مخفی برای استفاده ایران از انرژی اتمی برای مقاصد نظامی به دست نیاورده اند و به نظر می رسد کار آنها بسیار سخت تر از زمانی است که در عراق به دنبال سلاح اتمی بودند. یک راه دیگر برای مقابله با ایران این است که یک بار دیگر مذاکراتی که از حمایت سه کشور اروپایی، آمریکا، روسیه و چین برخوردار است، از سر گرفته شود. در هفته های اخیر مواضع آمریکا و ائتلاف اروپا نسبت به ایران تندتر شده است. طی هفته های آینده [این هفته] در شورای حکام درباره امکان فرستادن پرونده ایران به شورای امنیت تصمیم گیری خواهد شد. نشانه های کوچکی از حمایت روسیه و چین برای تحریم ایران در شورای امنیت دیده می شود اما اگر این دو کشور تحریم های احتمالی بر ضد ایران را وتو کنند، آن گاه همه تلاش های اروپا و آمریکا نقش بر آب می شود. ایران اتمی نشانه ای از اشتباهات غربی ها است که در سخنان و سرمقاله هایشان مرتکب شده اند. به طور مثال عباراتی نظیر «نباید نسبت به نگرانی های بین المللی بی تفاوت باشیم» و یا «غرب باید از همه پاسداری کند» با دقت بیان شده اند اما همه در این کلاف سردرگم گره خورده اند.

من نمی توانم ببینم که چگونه همه اینها (غربی ها) برای متوقف کردن برنامه غنی سازی ایران بسیج شده اند، در حالی که در سال های اخیر تولید سلاح های اتمی در عالی ترین سطوح بین المللی انجام می گیرد. مراکز هسته ای ایران با دقت کامل در مناطق مختلف زیر زمین پراکنده است و اگر بمب افکن های آمریکایی در انتخاب هدف های خود دقت لازم را به خرج ندهند، مردم غیر نظامی هدف قرار می گیرند. این اقدام دستاویز خوبی را در اختیار مخالفان غرب قرار می دهند. عده ای در غرب معتقدند که تحریم های شورای امنیت راهی موثر برای توقف برنامه هسته ای ایران است. محروم کردن فوتبالیست های ایرانی از بازی در اروپا، بایکوت کردن هنرمندان ایرانی، محروم کردن ایرانی ها از تبادل دانش با مراکز آکادمیک جهان، تحریم های اقتصادی، مسدود کردن حساب های ایران در بانک های بین المللی و لغو هرگونه قرارداد تجاری با ایران نهایت اقداماتی است که می توان برای مواجهه با ایران انجام داد. اما این گونه اقدامات باعث فشار به مردم ایران می شود. همان طور که «تیموتی گارتن اش» پس از سفرش به ایران نوشت: اگر جنگ یا فشار اقتصادی پیش بیاید

مردم متعادل ایران، یک شبه تبدیل به نیروهایی برای حمایت از دولت ایران تبدیل می شوند. با آنکه احمدی نژاد رئیس جمهور است اما رفسنجانی هنوز نفوذش را حفظ کرده است. دولت ایران دیکتاتوری صدام یا حکومت مطلقه طالبان نیست. ایران دارای کاندیداهایی زیرک اما سنتی است. همه این استدلال های دم دستی نشان می دهد که ایرانی ها نمی خواهند سلاح اتمی درست کنند و یا اسرائیل را از روی کره زمین محو کنند. آنها می خواهند روابط خوبی با غرب داشته باشند. در همین روزهایی که مقامات آمریکایی در عراق حضور دارند، دولت همسو با ایران و شیعه در عراق سرکار آمده است. همین چند ماه پیش در ایران پوسترهای انتخابات عراق کوچه ها و خیابان های ایران را تزئین کرده بود. هرچه قدر بوش و بلر فکر می کنند که عراق امروز نتیجه تاخت و تاز آنها است اما عراق کنونی چیز دیگری را نشان می دهد. تاثیر ایران بر عراق کاملاً محسوس است. بوش و بلر باید بدانند که آنها صدام را در عراق سرنگون کردند و شیعیان همسو با ایران را به عرش حکومت رساندند. آنها نمی توانند منکر نتیجه سیاست های خود شوند. دموکراسی نیم بند عراق باعث قدرتمند تر شدن همسایه آنها (ایران) شده است. ایران قدرت اول منطقه است. اگر شما نمی توانید این مهره منطقه ای را با اسلحه بخرید. بهترین راه این است که او را تبدیل به دوست خود کنید نه دشمن.